

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۹۸

آیه ۴۱-۴۴

آیه و ترجمه

۴۱ و ان کذبوک فقل لی عملی و لکم عملکم اءنتم بریون مما اءعمل و اءنبریء مما تعملون

۴۲ و منهم من یستمعون الیک اءفاءنت تسمع الصم و لو کانوا لا یعقلون

۴۳ و منهم من ینظر الیک اءفاءنت تهدی العمی و لو کانوا لا یبصرون

۴۴ ان الله لا یظلم الناس شیئا و لكن الناس اءنفسهم یظلمون

ترجمه :

۴۱ - و اگر تو را تکذیب کردند بگو: عمل من برای من، و عمل شما برای شما،

شما بیزارید از آنچه من می‌کنم، و من بیزارم از آنچه شما انجام می‌دهید.

۴۲ - و گروهی از آنان گوش به سوی تو فرا می‌دهند (اما گوئی

هیچ نمی‌شنوند و کردند!)

۴۳ - و گروهی از آنان به سوی تو نگاه می‌کنند (اما گوئی هیچ نمی‌بینند)

آیاتو می‌توانی نابینایانرا هدایت کنی هر چند نبینند؟!)

۴۴ - خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند ولی این مردمند که به خویشان ستم

می‌نمایند.

تفسیر :

کوران و کران

در این آیات بحثی که در آیات گذشته در زمینه انکار و تکذیب

لجوجانه مشرکان گذشت همچنان دنبال می‌شود:

در نخستین آیه، طریق جدیدی برای مبارزه به پیامبر (صلی الله علیه و آله

وسلم) تعلیم داده، می‌گوید: «اگر آنها تو را تکذیب کنند به آنان بگو

عمل من برای

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۲۹۹

شما برای خودتان باشد» (و ان کذبوک فقل لی عملی و لکم عملکم)

«شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید، و من هم از اعمال شما

بیزارم)) (انتم بریئون مما عمل و انا بریء مما تعملون).  
این اعلام بیزارى و بی‌اعتنائى که تواءم با اعتماد و ایمان قاطع به مکتب‌خویشان است، اثر روانی خاصی، مخصوصاً در منکران لجوج، دارد، و به آنها می‌فهماند که هیچ اصرار و اجباری در مورد قبول و پذیرش آنها نیست، آنها با عدم تسلیم در مقابل حق، خود را به محرومیت می‌کشانند و تنها به خویشان ضرر می‌زنند.

نظیر این تعبیر در آیات دیگر قرآن نیز آمده است، همانگونه که در «سوره کافرون» می‌خوانیم لکم دینکم و لی دین: «آئین شما برای خودتان آئین من هم برای خودم».

و از این بیان روشن می‌شود که محتوای اینگونه آیات هیچگونه منافاتی بادیستور تبلیغ یا جهاد در برابر مشرکان ندارد، تا بخواهیم این آیات را منسوخ بدانیم، بلکه همانگونه که گفته شد این یکنوع مبارزه منطقی از طریق بی‌اعتنائی در برابر افراد لجوج و کینه‌توز است.

در دو آیه بعد اشاره به دلیل انحراف و عدم تسلیم آنها در برابر حق می‌کند و می‌گوید: «برای هدایت یک انسان تنها تعلیمات صحیح و آیات تکان‌دهنده و اعجاز آمیز و دلائل روشن کافی نیست، بلکه آمادگی و استعدادپذیرش و شایستگی برای قبول حق نیز لازم است، همانگونه که برای پرورش سبزه و گل تنها بذر آماده کافی نمی‌باشد، زمین مستعد نیز لازم است.

لذا نخست می‌گوید: «گروهی از آنها گوش به سوی تو فرا می‌دهند اما گوئی کردند» (و منهم من یستمعون الیک).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۰

«با این حال که آنها گوش شنوائی ندارند، آیا تو می‌توانی صدای خود را به گوش کران برسانی هر چند درک نکنند» (إفانت تسمع الصم و لو کانوا لایعقلون).

«و گروهی دیگر از آنان چشم به تو می‌دوزند و اعمال ترا می‌نگرند که هریک نشانه‌ای از حقانیت و صدق گفتار تو را در بردارد، اما گوئی کورند و نابینا» (و منهم من ینظر الیک).

«آیا با این حال تو می‌توانی این نابینایان را هدایت کنی هر چند فاقد بصیرت باشند» (إفأنت تهدی العمی و لو کانوا لایبصرون).

ولی بدان و آنها نیز باید بدانند که این نارسائی فکر و عدم بصیرت و نابینائی از

دیدن چهره حق و ناشنوائی در برابر گفتار خدا، چیزی نیست که با خود ازمادر به این جهان آورده باشند، و خداوند به آنها ستمی کرده باشد، بلکه این خود آنها بوده‌اند که با اعمال نادرستشان و دشمنی و عصیان در برابر حق روح خود را تاریک و چشم بصیرت و گوش شنوایشان را از کار انداختند چرا که خداوند به هیچ کس از مردم ستم نمی‌کند، ولی مردمند که به خویشستن ستم روا می‌دارند» (ان الله لا يظلم الناس شيئا و لكن الناس انفسهم يظلمون).

#### نکته ها

#### در اینجا به دو نکته باید توجه کرد:

۱ - اینککه در آیه دوم می‌خوانیم گوش به تو فرا می‌دهند و در آیه سوم می‌خوانیم به سوی تو نگاه می‌کنند اشاره به این است گروه‌ی از آنان سخنان اعجاز آمیز ترا می‌شنوند و گروه دیگری اعمال معجز نشانت را که همگی دلیل

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۱

روشنی بر صدق گفتار و حقانیت دعوت تو است می‌نگرند ولی هیچکدام از این دو گروه از استماع و نظرشان بهره نمی‌گیرند، چرا که نظر آنها نظر فهم و درک نیست، بلکه نظر انتقاد و عیبجوئی و مخالفت است. از استماعشان نیز بهره نمی‌گیرند چرا که به قصد ادراک محتوای سخن نمی‌باشد، بلکه می‌خواهند دستاویزی برای تکذیب و انکار پیدا کنند و می‌دانیم قصد و نیت انسان به اعمال او شکل می‌دهد، و اثرات آنرا دگرگون می‌سازد.

۲ - در آخر آیه دوم جمله «و لو کانوا لا یعقلون» و در آخر آیه سوم جمله «و لو کانوا لا یبصرون» آمده است، اشاره به اینکه استماع یعنی پذیرش الفاظ و راه دادن آنها بگوش به تنهایی کافی نیست بلکه تفکر و تدبر لازم است، تا انسان از محتوای آن بهره گیرد، همچنین نگاه به تنهایی اثری ندارد بلکه بصیرت (درک مفاهیم آنچه را انسان می‌بیند) لازم است تا به عمق آن برسد و هدایت شود.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۲

## آیه و ترجمه

۴۵ و یوم یحشرهم کان لم یلبثوا الا ساعة من النهار یتعارفون بینهم قد خسر الذین کذبوا بقاء الله و ما کانوا مهتدین  
۴۶ و اما نرینک بعض الذی نعدهم اء و نتوفینک فالینا مرجعهم ثم الله شهید علی ما یفعلون  
۴۷ و لكل امة رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون  
ترجمه :

۴۵ - بخاطر بیاور روزی را که آنها را جمع (و محشور) می سازد، و آنچنان احساس می کنند که گوئی جز ساعتی از روز (در دنیا) توقف نکردند، به آن مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند، آنها که لقای خداوند (و رستاخیز) را انکار کردند زیان کردند و هدایت نیافتند.  
۴۶ - و اگر ما پاره ای از مجازاتهای را که به آنان وعده داده ایم (در حال حیات) به تو نشان دهیم و یا (پیش از آنکه آنها گرفتار عذاب شوند) تو را از دنیا ببریم در هر حال بازگشتشان به سوی ماست سپس خداوند گواه است بر آنچه آنها انجام می دادند.  
۴۷ - و برای هر امتی رسولی است، هنگامی که رسولشان به سوی آنها بیاید خداوند به عدالت در میان آنها داوری می کند و ستمی به آنها نمی شود.

## تفسیر:

به دنبال شرح بعضی از صفات مشرکان در آیات گذشته در اینجا اشاره به وضع دردناکشان در قیامت کرده می گوید: «(به خاطر بیاور آن روز را که خداوند

---

## تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۳

همه آنها را محشور و جمع می کند در حالی که چنان احساس می کنند که تمام عمرشان در این دنیا بیش از ساعتی از یک روز نبوده، به همان مقدار که یکدیگر را (ببینند و) بشناسند» (و یوم یحشرهم کان لم یلبثوا الا ساعة من النهار یتعارفون بینهم).  
این احساس کم بودن مقدار اقامت در دنیا یا به خاطر آن است که اصولا در برابر زندگی جاویدان قیامت به مقدار ساعتی بیش نیست.  
و یا به خاطر آن است که این دنیای ناپایدار چنان با سرعت بر آنها گذشته که گوئی یک ساعت بیش نبوده است.

و یا اینکه به خاطر عدم استفاده صحیح از عمر خود چنین می‌پندارند که همه عمرشان بیش از یک ساعت ارزش نداشته است!

بنابر آنچه در تفسیر فوق گفتیم جمله یتعارفون بینهم (یکدیگر رامی‌شناسند) اشاره به مقدار درنگ آنها در دنیا است، یعنی آنچنان عمر را کوتاه احساس می‌کنند که گویا تنها به مقداری بوده که دو نفر یکدیگر را ببینند و معارفه‌ای در میان آنها انجام گردد و از همدیگر جدا شوند. این احتمال نیز در تفسیر آیه داده شده است که منظور احساس کوتاهی زمان دوران برزخ است، یعنی آنها در دوران برزخ در حالتی شبیه به خواب فرو می‌روند که گذشت سالها و قرون و اعصار را احساس نمی‌کنند، بطوری که به هنگام رستاخیز فکر می‌کنند دوران برزخشان که شاید هزاران و یا ده‌ها هزار سال بوده بیش از ساعتی نبوده است.

شاهد این تفسیر آیه ۵۵ و ۵۶ سوره روم است که می‌گوید: و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة کذلک کانوا یؤفکون و قال الذین اوتوا العلم و الایمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث ولکنکم کنتم لا تعلمون.

از این دو آیه استفاده می‌شود که گروهی از مجرمان به هنگامی که قیامت

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۴

بر پا می‌شود سوگند یاد می‌کنند که دوران برزخشان ساعتی بیش نبوده است ولی مؤمنان به آنها می‌گویند دورانی طولانی بوده و هم اکنون قیامت بر پا شده است و شما نمی‌دانید (و می‌دانیم برزخ برای همه یکسان نیست و شرح آنرا ذیل آیات مناسب خواهیم داد).

مطابق این تفسیر معنی جمله «یتعارفون بینهم» چنین خواهد بود که آنها بقدری زمان برزخ را کوتاه احساس می‌کنند که هیچ مطلبی از دنیا را فراموش نکرده‌اند و یک دیگر را به خوبی می‌شناسند. و یا اینکه اعمال زشت یکدیگر را در آنجا می‌بینند و باطن یکدیگر رامی‌شناسند و این خود یک رسوائی بزرگ برای آنها است.

سپس اضافه می‌کند در آن روز به همه آنها ثابت می‌شود «افرادی که روز رستاخیز و ملاقات پروردگار را تکذیب کردند، زیان بردند»، و تمام سرمایه‌های وجود خود را از دست دادند بی آنکه نتیجه‌ای بگیرند (قد خسر الذین کذبوا بقاء الله).

«و اینها به خاطر این تکذیب و انکار و اصرار بر گناه و لجاجت، آمادگی هدایت نداشتند» (و ما کانوا مهتدین). چرا که قلبشان تاریک و روحشان ظلمانی بود. در آیه بعد به عنوان تهدید کفار و تسلی خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین می‌گوید: «اگر ما قسمتی از مجازاتهای را که به آنها وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم و در زمان حیات خود عذاب و مجازات آنها را ببینی، و یا اگر پیش از آنکه به چنین سرنوشتی گرفتار شوند تو را از این دنیا ببریم بهر حال بازگشتشان بسوی ما است و خداوند شاهد و گواه اعمالی است که انجام می‌دادند» (و اما نرینک بعض الذی نعدهم او نتوفینک فالینا مرجعهم ثم الله شهید علی ما یفعلون).

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۵

در آخرین آیه مورد بحث، یک قانون کلی درباره همه پیامبران و از جمله پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه امتها از جمله امتی که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌زیسته‌اند بیان کرده می‌گوید: «هر امتی رسول و فرستاده‌ای از طرف خدا دارد» (و لكل امة رسول). «هنگامی که فرستاده آنها آمد و ابلاغ رسالت کرد و گروهی در برابر حق تسلیم شدند و پذیرفتند و گروهی به مخالفت و تکذیب برخاستند، خداوند با عدالتش در میان آنها داور می‌کند و به هیچکس ستمی نمی‌شود»، مؤمنان و نیکان می‌مانند و بدان و مخالفان یا نابود می‌شوند و یا محکوم به شکست (فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون). همانگونه که درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امت معاصرش چنین شد، مخالفان دعوتش یا در جنگها از میان رفتند و یا سرانجام شکست خورده، از صحنه اجتماع طرد شدند و مؤمنان زمام امور را بدست گرفتند. بنابراین قضاوت و داور می‌کند که در این آیه به آن اشاره شده همان قضاوت تکوینی و اجرائی در این دنیا است و اما اینکه بعضی از مفسران احتمال داده‌اند اشاره به داور می‌کند که در قیامت باشد خلاف ظاهر است.

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۶

آیه ۴۸ - ۵۲

آیه و ترجمه

۴۸ و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم صدقين  
 ۴۹ قل لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا الا ما شاء الله لكل امة اجل اذا جاء اجلهم  
 فلا يستخرون ساعة ولا يستقدمون  
 ۵۰ قل اءرءيتم ان ائتكم عذابه بيئا ءو نهارا ما ذا يستعجل منه المجرمون  
 ۵۱ اء ثم اذا ما وقع ءامنتم به ءالن و قد كنتم به تستعجلون  
 ۵۲ ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون الا بما كنتم تكسبون  
 ترجمه :

۴۸ - می‌گویند این وعده (مجازات) اگر راست می‌گویی کی  
 عملی می‌شود؟  
 ۴۹ - بگو من برای خودم زیان و سودی را مالک نیستم (تا چه رسد به شما) مگر  
 آنچه خدا بخواهد، برای هر قوم و ملتی پایانی است هنگامی که اجل آنها فرا رسد  
 (و فرمان مجازات یا مرگشان صادر شود) نه ساعتی تا، خیر می‌کنند و نه  
 ساعتی پیشی می‌گیرند.  
 ۵۰ - بگو اگر مجازات او شبه‌نگام یا در روز به سراغ شما آید (آیا می‌توانید آنرا  
 از خود دفع کنید) پس مجرم‌ان برای چه چیز عجله می‌کنند؟  
 ۵۱ - یا این‌که آنگاه که واقع شد ایمان می‌آورید (اما بدانید به شما  
 گفته می‌شود) حالا؟ با این‌که قبلا برای آن عجله می‌کردید؟ (اکنون چه سود؟)  
 ۵۲ - سپس به آنها که ستم کردند گفته می‌شود عذاب ابدی را بچشید! آیا جز  
 به آنچه انجام می‌دادید کیفر داده می‌شوید؟

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۷

**تفسیر:**

**مجازات الهی در دست من نیست**

به دنبال تهدیدهایی که در آیات سابق راجع به عذاب و مجازات منکران حق  
 ذکر شد در این آیات نخست از قول آنها چنین نقل می‌کند که از روی استهزاء و  
 مسخره و انکار «می‌گویند این وعده‌ای که در مورد نزول عذاب می‌دهی  
 اگر راست می‌گویی چه موقع است؟! (و يقولون متى هذا الوعد ان كنتم  
 صادقین)

این سخن مسلمانان از ناحیه مشرکان عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله  
 وسلم) بوده زیرا آیات بعد که متضمن پاسخ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)  
 است شاهد گویای این مطلب می‌باشد.

به هر حال آنها با این تعبیر می‌خواستند بی‌اعتنائی کامل خود را به تهدیدهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نشان دهند و هم برای افرادی که از این تهدیدها متزلزل گشته بودند مایه قوت قلب و آرامش فکری شوند. در برابر این سؤال خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که از چند راه به آنها پاسخ گوید:

نخست اینکه می‌فرماید «به آنها بگو وقت و موعد این کار در اختیار من نیست، من مالک سود و زیانی برای خود نیستم، تا چه رسد برای شما، مگر آنچه خدا بخواهد و اراده کند» (قل لا املک لنفسی ضرا و لا نفعاً الا ما شاء الله).

من تنها پیامبر و فرستاده اویم، تعیین موعد نزول عذاب، تنها بدست اوست، وقتی که من درباره خودم مالک سود و زیان نباشم بطریق اولی در مورد شما نخواهم بود.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۸

این جمله در حقیقت اشاره به توحید افعالی است که در این عالم همه چیز به خدا باز می‌گردد، و هر کار از ناحیه او است، او است که با حکمتش مؤمنان را پیروزی می‌دهد و او است که با عدالتش منحرفان را مجازات می‌کند. بدیهی است که این منافات با آن ندارد که خداوند به ما نیروها و قدرتهائی داده است که بوسیله آن مالک قسمتی از سود و زیان خویش هستیم و می‌توانیم درباره سرنوشت خویش تصمیم بگیریم، و به تعبیر دیگر این آیه نفی مالکیت «بالذات» را می‌کند نه «بالغیر» را و جمله الا ما شاء الله قرینه روشنی بر این موضوع است.

از اینجا معلوم می‌شود اینکه بعضی از متعصبان همانند نویسنده تفسیر المنار خواسته‌اند از این آیه نفی جواز توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را استفاده کنند، بسیار بی‌پایه است.

زیرا اگر منظور از توسل این باشد که ما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را صاحب قدرت و مالک سود و زیان بالذات بدانیم مسلماً این شرک است، و هیچ مسلمانی نمی‌تواند به آن عقیده داشته باشد، و اما اگر این مالکیت از ناحیه خدا باشد و تحت عنوان الا ما شاء الله قرار گیرد مانعی دارد؟ و این عین ایمان و توحید است.

اما او به خاطر غفلت از این نکته، وقت خود و خوانندگان تفسیرش را



بایست که طوّلانی تلف کرده است و متأسفانه او با تمام امتیازاتی که در تفسیرش موجود است از این اشتباهات فراوان دارد که سرچشمه همه آنها را میتوان تعصب دانست!

سپس قرآن به پاسخ دیگر پرداخته می‌گوید: «هر قوم و جمعیتی زمان و اجل معینی دارند، به هنگامی که اجل آنها فرا رسد نه ساعتی از آن تأخیر خواهند کرد و نه ساعتی پیشی خواهند گرفت» (لکل امة اجل اذا جاء اجلهم فلا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۰۹

و به تعبیر دیگر هیچ قوم و ملت به هنگام انحراف از مسیر حق در مقابل مجازاتهای الهی که نتیجه اعمال خودشان است مصونیت ندارند، هنگامی که در چنین مسیرهایی گام بگذارند و از قوانین قطعی آفرینش منحرف شوند، امکانات خود را از دست داده و سرانجام سقوط می‌کنند، همانگونه که تاریخ جهان نمونه‌های فراوانی را از آن به خاطر دارد.

در واقع قرآن به مشرکانی که در مورد آمدن عذاب الهی تعجیل می‌کردند اخطار می‌کند که بی‌جهت عجله نکنند، به هنگامی که زمان آنها فرا برسد، لحظه‌ای این عذاب تأخیر و تقدیم نخواهد داشت.

ضمناً باید توجه داشت که ساعت گاهی به معنی لحظه و گاهی به معنی مقدار کمی از زمان است هر چند امروز معنی معروفش یک بیست و چهارم شبانه روز می‌باشد.

در آیه بعد سومین پاسخ را مطرح کرده، می‌گوید: «به آنها بگو اگر عذاب پروردگار شب هنگام یا در روز به سراغ شما بیاید امر غیر ممکن نیست، و آیا شما می‌توانید این عذاب ناگهانی را از خود دفع کنید؟» (قل اءراءیتم ان اتاکم عذابہ بیا تا او نهارا).

«با این حال مجرمان و گنهکاران در برابر چه چیز عجله می‌کنند؟» (ما ذیستعجل منه المجرمون).

و به تعبیر دیگر: این مجرمان جسور اگر یقین به نزول عذاب ندارند حداقل احتمال این را می‌دهند که ناگهان به سراغشان بیاید، آنها چه تأمین و تضمین و دلیلی در این باره دارند که تهدیدهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هرگز به وقوع نخواهد پیوست؟ انسان عاقل در برابر چنین احتمال ضرری باید لا اقل رعایت احتیاط کند و از آن بر حذر باشد.

نظیر این معنی در آیات دیگر قرآن به تعبیرهای دیگری آمده است مانند افامنتکم ان یخسف بکم جانب البر او یرسل علیکم حاصبا ثم لا تجدوا لکم وکیلا: «آیا شما ایمن هستید از اینکه خداوند در گوشه‌ای از زمین شما را فرو ببرد یا سنگریزه‌ای از آسمان بر شما ببارد و سپس نگهبانی برای خود نیابد» (سوره اسراء آیه ۶۸).

و این همان چیزی است که در علم کلام و اصول از آن به عنوان قاعده «لزوم دفع ضرر محتمل» تعبیر می‌شود.

در آیه بعد چهارمین پاسخ را به آنها می‌گوید و آن اینکه «اگر شما گمان می‌کنید که به هنگام نزول عذاب ایمان بیاورید و ایمان شما پذیرفته شود، این خیال باطلی است» (اثم اذا ما وقع امنتکم به). چرا که پس از نزول عذاب، درهای توبه به روی شما بسته می‌شود و ایمان کمترین اثری ندارد، بلکه «به شما گفته می‌شود حالا ایمان می‌آورید، درحالی که قبلا از روی استهزاء و انکار تعجیل برای عذاب رامی‌خواستید»؟ (آلان و قد کنتم به تستعجلون). این مجازات دنیای آنها است، سپس در روز رستاخیز به کسانی که ستم

کردند، گفته می‌شود بچشید عذاب ابدی را!!» (ثم قیل للذین ظلموا ذوقوا عذاب الخلد).

«آیا جز به آنچه انجام دادید کیفر داده می‌شوید؟» (هل تجزون الا بما کنتم تکسبون).

این در واقع اعمال خود شما است که دامناتان را گرفته است، همانهاست که در برابرتان مجسم شده و شما را برای همیشه آزار می‌دهد.

نکته ها

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

۱ - همانگونه که در ذیل آیه ۳۴ سوره اعراف گفتیم بعضی از دین سازان عصر ما به آیاتی مانند لکل امة اجل... که در قرآن دو بار آمده است برای نفی خاتمیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) استدلال کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که هر دین و مذهبی سرانجام پایان می‌گیرد و جای خود را به

مذهب دیگری می دهد.

در حالی که «امت» به معنی گروه و جماعت است، نه به معنی مذهب و خصوصاً پیروان یک مذهب.

هدف این آیات آن است که قانون حیات و مرگ مخصوص افراد نیست بلکه ملتها و گروهها نیز مشمول این قانون هستند، و به هنگامی که در مسیر ظلم و فساد قرار گیرند منقرض خواهند شد.

مخصوصاً در مورد بحث با توجه به آیه قبل و بعد از آن بروشنی این حقیقت ثابت می شود که سخن از نسخ مذهب در میان نیست، بلکه از نزول عذاب و نابود شدن یک گروه و ملت است، زیرا هم آیه قبل و همه آیه بعد هر دو از عذاب و مجازات دنیا بحث می کند.

۲- با توجه به آیات فوق این سؤال پیش می آید که آیا جامعه های اسلامی نیز گرفتار مجازات و عذاب در این جهان می شوند؟.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۲

پاسخ این سؤال مثبت است، زیرا هیچ دلیلی نداریم که این امت مستثنی باشند، بلکه این قانون درباره همه امتهای و ملتها است، و اینکه در بعضی از آیات قرآن (انفال - ۳۳) خوانده ایم که خداوند این امت را مجازات نخواهد کرد، مشروط به یکی از دو شرط است: یا بودن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان آنها و یا استغفار و توبه از گناه، نه بی قید و شرط.

۳- آیات فوق بار دیگر این حقیقت را تاءکید می کند که به هنگام نزول عذاب درهای توبه بسته می شود و پشیمانی سودی نخواهد داشت، دلیل آن هم روشن است زیرا توبه در چنین حالی، شبیه توبه اجباری و اضطراری است و چنین توبه ای بی ارزش می باشد.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۳

آیه ۵۳ - ۵۶

آیه و ترجمه

۵۳ و یستنبونک اء حق هو قل ای و ربی انه لحق و ما اءنتم بمعجزین

۵۴ و لو اءن لکل نفس ظلمت ما فی الارض لافتدت به و اءسروا الندامة لمارءوا

العذاب و قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون

۵۵ اءلا ان الله ما فی السموت و الارض اءلا ان وعد الله حق و لکن اءکثرهم

لایعلمون

۵۶ هو یحی و یمیت و الیه ترجعون

ترجمه :

۵۳ - از تو می پرسند آیا آن (وعده مجازات الهی) حق است؟ بگو آری بخدا سوگند قطعا حق است و شما نمی توانید از آن جلو گیری کنید!

۵۴ - و هر کس که ستم کرده اگر تمامی آنچه روی زمین است در اختیار داشته باشد (همه را از هول عذاب) برای نجات خویش می دهد، و هنگامی که عذاب را ببینند (پشیمان می شوند اما) پشیمانی خود را کتمان می کنند (مبادا رسواتر شوند) و در میان آنها به عدالت دآوری می شود و ستمی بر آنها نخواهد رفت.

۵۵ - آگاه باشید آنچه در آسمانها و زمین است از آن خدا است، آگاه باشید وعده خدا حق است ولی اکثر آنها نمی دانند.

۵۶ - او است که زنده می کند و می میراند و به سوی او باز می گردید.

تفسیر:

در مجازات الهی تردید نکنید

در آیات گذشته سخن از کیفر و مجازات و عذاب مجرمان در این جهان و جهان دیگر بود، آیات مورد بحث نیز این موضوع را دنبال می کند.

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۴

نخست می گوید: «مجرمان و مشرکان از روی تعجب و استفهام از تو سؤال می کنند که آیا این وعده مجازات الهی در این جهان و جهان دیگر حق است؟» (و یستنبئونک اء حق هو).

البته «حق» در اینجا در مقابل باطل نیست، بلکه منظور این است که آیا این مجازات و کیفر واقعیت دارد و تحقق می یابد؟ زیرا «حق» و «تحقق» هر دو از یک ماده اند البته حق در مقابل باطل اگر به معنی وسیع کلمه تفسیر شود، شامل هر واقعیت موجود می گردد، و نقطه مقابل آن معدوم و باطل است.

خداوند به پیامبرش دستور می دهد که در برابر این سؤال با تاءکید هر چه بیشتر «بگو به پروردگارم سوگند این یک واقعیت است و هیچ شک و تردیدی در آن نیست» (قل ای و ربی انه لحق).

و اگر فکر می کنید، می توانید از چنگال مجازات الهی فرار کنید اشتباه

بزرگی کرده‌اید، زیرا «هرگز شما نمی‌توانید از آن جلو‌گیری کنید، و او را با قدرت خود ناتوان سازید» (و ما انتم بمعجزین). در واقع این جمله با جمله فوق از قبیل بیان مقتضی و مانع است، در جمله اول می‌گوید مجازات مجرمان یک واقعیت است، و در جمله دوم اضافه می‌کند: هیچ قدرتی نمی‌تواند جلو آن را بگیرد، درست مانند آیات ۸ و ۹ سوره طور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع. تاء کیدهائی که در آیه به چشم می‌خورد قابل توجه است، از یکسو «سوگند»، و از سوی دیگر کلمه «ان» و «لام تاء کید» و از سوی سوم جمله «(و ما انتم بمعجزین)» همه اینها تاء کید می‌کند که به هنگام ارتکاب جرمهای سنگین مجازات الهی حتمی است. در آیه بعد روی عظمت این مجازات مخصوصاً در قیامت تکیه کرده می‌گوید:

---

#### تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۵

«آنچنان عذاب الهی وحشتناک و هول‌انگیز است که اگر هر یک از ستمکاران مالک تمام ثروتهای روی زمین باشند، حاضرند همه آن را بدهند تا از این کیفر سخت رهایی یابند» (و لو ان لكل نفس ظلمت ما فی الارض لافتدت به). در واقع آنها حاضرند بزرگترین رشوهای را که می‌توان تصور کرد، برای رهایی از چنگال عذاب الهی بدهند اما کسی از آنها نمی‌پذیرد و سر سوزنی از مجازاتشان بکاهد.

مخصوصاً بعضی از این مجازاتها جنبه معنوی دارد و آن اینکه «آنها بامشاهده عذاب الهی پشیمان می‌شوند، ولی از اظهار ندامت که مایه رسوائی بیشتر در برابر رقیبان مجرم یا پیروانشان می‌شود خودداری می‌کنند» (و اسروا الندامة لما راءوا العذاب).

سپس تاکید می‌کند که «با همه این احوال در میان آنها به عدالت داوری می‌شود، و ظلم و ستمی درباره آنان نخواهد شد» (و قضی بینهم بالقسط و هم لا یظلمون).

این جمله تاء کیدی است بر روش قرآن در همه جا در زمینه مجازات و عدالت، زیرا تاء کیده‌های آیه گذشته در زمینه مجازات ممکن است این توهم را برای افراد غافل به وجود آورد که مساءله انتقام جوئی در کار است، لذا قرآن نخست می‌گوید: داوری میان آنها با عدالت می‌شود و باز تاء کید می‌کند که ظلم و ستمی بر آنها نخواهد رفت.

سپس برای اینکه مردم این وعده‌ها و تهدیدهای الهی را به شوخی نگیرند و فکر نکنند خداوند از انجام اینها عاجز است، اضافه می‌کند «آگاه باشید

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۶

آنچه در آسمانها و زمین است از آن خدا است و مالکیت و حکومت او تمام جهان هستی را فرا گرفته و هیچکس نمی‌تواند از کشور او بیرون رود» (الا ان الله ما فی السماوات و الارض).

و نیز «آگاه باشید وعده خداوند در مورد مجازات مجرمان حق است هرچند بسیاری از مردم که نا آگاهی، سایه شوم بر روانشان افکنده این حقیقت را نمی‌دانند» (الا ان وعد الله حق و لکن اکثرهم لا یعلمون). آخرین آیه مورد بحث نیز تاءکید مجددی روی همین مسأله حیاتی است که می‌گوید «خداوند است که زنده می‌کند، و او است که می‌میراند» (هو حی و یمیت).

بنابراین هم توانائی بر مرگ و میراندن بندگان دارد و هم زنده کردن آنها برای دادگاه رستاخیز.

«و سرانجام همه شما به سوی او باز می‌گردید» (و الیه ترجعون). و پاداش همه اعمال خویش را در آنجا خواهید یافت.

نکته ها

در اینجا به دو نکته باید توجه کرد:

۱ - از جمله سؤالاتی که در مورد آیات فوق مطرح می‌شود این است که آیا سؤال مشرکان از واقعیت داشتن کیفر الهی جنبه استهزاء داشته و یا واقعاً سؤال حقیقی بوده است؟ بعضی گفته‌اند سؤال حقیقی نشانه شک است و با وضع مشرکان سازگار نیست.

ولی با توجه به اینکه بسیاری از مشرکان در تردید بودند و گروهی از آنها نیز با علم به حقانیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به خاطر لجاجت و تعصب و مانند آن به مخالفت برخاسته بودند، روشن می‌شود که سؤال حقیقی از آنها هیچ بعید نیست.

---

تفسیر نمونه جلد ۸ صفحه ۳۱۷

۲ - حقیقت «ندامت» پشیمانی از انجام کاری است که آثار نامطلوب آن آشکار شده است، خواه انسان بتواند آن را جبران کند و یا نتواند، و پشیمانی

مجرمان در قیامت از نوع دوم است، و مکتوم داشتن آن به خاطر آن است که آشکار ساختنش موجب رسوائی بیشتر می شود.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل